

حضرت بهاء الله میفرمایند:

"ایام ایام فرح است چه که محبوب عالم و اسم اعظم بر عرش ظهور مستوی به اسمش بگوئید و به یادش بنوشید و به ذکرش مشغول باشید. به کمال روح و ریحان و حکمت و بیان با یکدیگر و خلق معاشرت نمائید.

یادنامه ابن ابهر ص 200

برنامه عید اعظم رضوان

1-مناجات شروع

2- بهار معنوی

3- لسان عظمت به سه آیه مبارکه نطق فرمود

4- تهنیت حضرت عبدالبهاء به مناسبت عید اعظم رضوان

5- چنان وجد و سروری نمایید که ملکوت وجود را به حرکت آرید

6- قسمتی از مثنوی حضرت بهاءالله

7- عید رضوان

8- حکایت

9- شعررضوان عشق

10-برنامه های محلی و انس و الفت

11-ذکر دسته جمعی (یا منان یا منزل البیان.....)

یاران روحانی الله ابهی

با تبریک به مناسبت فرارسیدن عید اعظم رضوان امیدواریم لحظاتی مملو از سرور روحانی را در کنار هم سپری نمائید. لازم به ذکر است که برنامه ارسالی تنها یک پیشنهاد بوده و بدیهی است شما میتوانید به فراخورجمعتان پروگرامی را تدوین نموده و با استفاده از برنامه های محلی و بهره مندی از استعدادات هنری عزیزان، اوقات مفرحی را تدارک ببینید

در پناه تأییداتش همواره موفق باشید

در مقام مناجات و ابتهاج با غنیّ متعال به این کلمه ناطق شو:

یا محبوبی و مقصودی و غایة آمالی، مشاهده مینمائی این عبد فانی را که به تو توجّه نمود و از تو کوثر باقی طلبیده عنایت فرما آنچه سزاوار بزرگی توست و لایق ایّام تو. سؤال میکنم تورا به اسم اعظم که حجات عباد را خرق نمائی و باب رحمت را بر ایشان بنمائی و بگشائی نائمین رابه ید شفقت و لطف بیدار نمائی و غافلین را به نداء بزم لطیف آگاه سازی تا کلّ به تو توجّه کنند و به تو اقبال نمایند. اى ربّ لا تحرمهم عن فیوضات سحاب رحمتك و نسائم ربیع الفضل فی ایّامك. أشهد أنّ رحمتك سبقت الكائنات و عنایتك أحاطت من فی الأرضین و السموات. لا اله الا أنت الغفور الکریم .

ادعیه محبوب ص 371

حضرت بهاء الله میفرماید:

"بهار ظاهری که تربیت ظاهر اشیا به امر خالق اسما به او موکول و مَفوّض، است در سال يك مرتبه ظاهر شود، و هم چنین بهار معنوی که تربیت ارواح و افتدّه منیره می نماید و حیوة باقیه دائمه مبذول می فرماید در هر هزار سنه اوازید، يك بار جلوه می نماید و بر همه اشیا از غیب و شهود خلعت هستی و تجلی ربوبی ابلاغ می فرماید، دیگر تا کی مستحق آید و چه کس لایق باشد که ادراک نماید، پس تا نسیمهای خوش روحانی از باغهای قدس معانی می وزد و بلبل بیان بر شاخهای گل رضوان می سراید، سعی و جهدی باید تا گوش از آوازه های ملیح ربّانی بی نصیب نشود و جسم از بادهای بهار معنوی محروم نماند، و برهر شجر یابسه که مرور نمود خلعت تازه دائمه عنایت فرمود
حضرت بها ءالله لئالی الحکمة ج 2 ص 3

حضرت بهاء الله میفرمایند:

"در یوم اوّل که جمال قدم بر عرش اعظم در بُستانی که به رضوان نامیده شد مُستوی، لسان عظمت به سه آیه مبارکه نطق فرمود. یکی آن که سیف در این ظهور مرتفع است و آخر، قبل از الف سنه هر نفسی ادّعا نماید باطل است و سنه، سنه کامله است، تفسیر و تأویل در این فقره حرام است؛ و ثالث، حَقّ جَلّ جلاله در آن حین بر کلّ اشیاء به کلّ اسماء تجلّی فرمود؛ و این فقره از بعد نازل ولکن فرمودند این فقره هم با آن سه در یک مقام است و آن این که آنچه از اسامی تلقاء وجه ذکر شود کلّ حیّاً میّتاً به ذکر مالک قدم فائز می‌شوند. طوبی للفائزین

مجموعه آثار قلم اعلی، شماره 44، ص 225

4-تهنیت حضرت عبدالبهاء به مناسبت عید اعظم رضوان

هوالله

ای عندلیب حدیقه معانی، اشعار فصیح، معانی بدیع داشت و در ثنای آستان اسم اعظم، جامع جمیع صنایع شعریه بود. یاران و امّاء رحمن در نهایت وجد و سرور ترتیل و ترنیم نمودند. این عبد با عدم فرصت به خطّ خویش تحسین می‌نگارد. عید رضوان چون بدایت اعلان ظهور من یُظهره الله بود و جمال قدم با وجود آن که نفی و سرگون بودند در کمال سرور و عظمت و عزّت الهیه در باغ نجیب پاشا در خارج عکا تجلّی و اشراق به کلّ آفاق فرمودند و جمیع اعناق خاضع بود و کافّه اصوات خاشع، لهذا این ایام بسیار مبارک است. احباء باید نهایت وجد و سرور مُجرّی دارند. سبحان الله، الی‌الآن در هیچ تاریخی دیده نشده است که با وجود آن که حرکت اسم اعظم از بغداد به عنوان نفی و سرگون بود، ولی به درجه‌ای عزّت و اقتدار و عظمت حضرت کبریاء ظاهر و آشکار بود که والی و مُشیر نامق پاشا با جمیع ارکان ولایت و امرآء لشکر، کافّه خاضع و خاشع بودند. "و لله العزّة من قبل و من بعد" مشهود جمیع انظار و ابصار بود. کافّه دوستان را به جهت حلول این یوم مبارک از قِبَل عبدالبهاء تحیّت ابدع ابهی و تهنیت کبری ابلاغ دارید. و علیک البهّاء الأبهی. ع ع

5- چنان وجد و سروری نمایید که ملکوت وجود را به حرکت آرید

حضرت عبدالبهاء میفرمایند:

ای یاران روحانی عبدالبهاء در این دم که کوکب عید رضوان از مشرق امکان درخشنده و تابان و جهان از وجد و طرب در نهایت روح و ریحان، جذب و سرور است، وَّله و حُبُور و تجلی یوم مَشکور، شادمانی است و کامرانی روحانی است و وجدانی، نغمه و آهنگ است و ترانه و چغانه و چنگ ، از هر جهت آثار فرح ظاهر و از هر سمت انوار جذب و وَّله باهر، یاران الهی در نهایت شادمانی و اصفیاء رحمانی در منتهای کامرانی؛ زیرا یوم خروج اسم اعظم است در عراق از مدینه الله به حدیقه نورا و حضرت مقصود در آن یوم مشهود در نهایت فرح و سرور بودند، لهذا اشراق آن بشاشتف ملکوت وجود را احاطه نمود و در آن روز فیروز، اعلاء کلمة الله بر جمیع امکان گشت. پس ای یاران الهی در این عید مبارک باید کل چنان وجد و سروری نمایید که ملکوت وجود را به حرکت آرید. لهذا عبدالبهاء به بشارت کبری فائز و نهایت تضرع و ابتهاال را به درگاه جمال ابهی می نماید که جمیع یاران را به روح و ریحان آرد و سرور و شادمانی بخشد

منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد 4

6- قسمتی از مثنوی حضرت بهاءالله

این زمان بویی ز عطریستان جان

بر وزید و شد معطر این جهان

باز مشک جان از آن رضوان جود

بروزید و برد جمله آنچه بود

هوش و بی‌هوشی زدست اینجا برفت

مست و هشیاری همه یکجا برفت

صحوشد هم محو و محوی هم نماند

مست شد هشیار و صحوی هم نماند

آنچه بود از اسم و رسم این جهان

فانی آمد چونکه شد شاهم عیان

ز انکه اسما گر دوصد قرن او پرد
می نیارد که ز قدرش بو برد
آنچه چشمت دید و هم گوشت شنید
او ز جمله پاک آمد ای رشید
پس تو با این گوش و چشم ای بی‌بصر
کی شوی از سرّ جانان باخبر
چشم دیگر بر گشا از یار نو
گوش دیگر باز کن آنکه شنو
چشم جاهل می نبیند جز قدم
چشم عارف بیند اسرار قدم
چشم عارف صد هزاران ساله راه
چشم جاهل می نبیند روی شاه

آثار قلم اعلی، ج3، ص174

7-عید رضوان

اول اردیبهشت ماه مطابق با 20 اپریل عید رضوان از بزرگترین اعیاد بهائیان است و در سراسر جهان بهائیان این روز فرخنده را جشن گرفته به شادمانی و شکرگزاری می گذرانند، زیرا در چنین روزی حضرت بهاءالله مؤسس آئین بهائی رسالت روحانی خود را اعلام و علناً آئین بهائی را به عنوان آئین جدید و وعده داده شده ادیان گذشته به جهانیان معرفی نمودند. در واقع اعلام نمود که اوست همان فرستاده ای که جمیع ادیان و ملل عالم در انتظارند. عید رضوان مهمترین عید بهائیان جهان دوازده روز طول می کشد که از اول اردیبهشت آغاز می شود. این عید به این خاطر است که در سال 1863 میلادی در حالی که دو دولت ایران و عثمانی دستور تبعید حضرت بهاءالله را از بغداد به استانبول صادر نمودند، حضرت بهاءالله و یارانش پیش از حرکت به سمت استانبول بمدت دوازده روز در خارج از بغداد در باغی بنام نجیبیه (رضوان) جمع گشتند. در اولین روز از این دوازده روز، حضرت بهاءالله به گونه ای سرآغاز آیین بهائی

و پیام روحانی نوین خود را به همراهان خویش اعلان نمود. اگرچه ممکن است در ابتدا این عید تنها عیدی مذهبی تلقی گشته و فقط مربوط به هموطنان بهائی پنداشته شود اما واقعیت این است که این عید، عید همه جهانیان است چرا که عید رضوان، عید آزادی و برابری همه مردم دنیاست. درست است که در اولین روز عید رضوان حضرت بهاءالله مقام خود را بعنوان پیامبری ایرانی ولی با (رسالتی دنیایی) علنی نمود، اما در آن روز حضرت بهاءالله آیین خود را به عنوان دعوتی که از سه اصل کلی تشکیل می شود معرفی نمود. در تحلیل نهائی عید رضوان عبارت از تجلیل این سه اصل می باشد. حضرت بهاءالله از این رخداد و سه اصل نوینی که در آن روز توسط وی مطرح گردید سخن می گوید. این سه اصل سر آغاز فرهنگی نوین است که طلیعه دار بیداری فرهنگی جهانیست چرا که ندای در آن تقدس انسان و برابری حقوق همگان و آزادی عقیده و مذهب و خردورزی و زمانندی را به مردم جهان گوشزد می کند. این سه بیان در واقع نفی استبداد مذهبی و سیاسی در آن واحد است.

آموزه های آئین جهانی بهائی

8-حکایت

در روز اول رضوان در قصرِ اَطَهَرِ بَهْجی اطاقی را که زائرین در آنجا مشرف شدند من و چهار نفر دیگر مشرف شدیم یکی از آن اشخاص مرحوم عندلیب علیه غفران الله بودند. از اصحاب اولیه حضرت بهاءالله که در محبس گیلان رشت دوسال زندانی بودند و به قدر یک مُجَلَّد الواح از حضرت بهاءالله و از حضرت عبدالبهاء دارند. یکی دیگر از اصحاب اولیه حضرت اعلی حاجی ابوالحسن بودند که در کشتی با حضرت اعلی در راه مکه مُعَظَّمه هم‌کشتی بودند و عائله دهقان و دو نفر دیگر نمی‌دانم که بودند ما پنج نفر اول دسته‌ای بودیم که در روز عید اعظم رضوان اول به حضور جمالِ قَدَمِ جَلِّ ذِکْرُهُ الْاَعْظَمِ مُشْرَف شدیم. جمال مبارک در سریر جالس بودند و ما در محضر مبارک به زانو بر زمین نشسته بودیم. آن وقت فرش اطاق مبارک فقط حصیر بود، بوریا. فرش نبود، قالی نبود، زندان بود. جمال مبارک به قدر نیم ساعت، بیست دقیقه از لوح مبارک سلطان ناصرالدین شاه پادشاه ایران تلاوت فرمودند؛ با لحن بدیع آسمانی. پس از این که تلاوت مبارک خاتمه پیدا کرد و در تلاوت دو حالت از هیکل اقدس مشاهده می‌شد یکی آن حالت عظمت و قدرت و اقتدار الهیه، یکی آن مظلومیّت کُبری که در الواح و آثار مبارک همه خواندید و زیارت کردید. بعد فرمودند طراز افندی برخیز. برخاستم فرمودند از این گل‌ها به هر یک از حضرات یکی بده؛ گل‌های معطر که در روی آن تشک مبارک در اطاق بود. به این چهار نفر که در محضر مبارک مشرف بودند به هر کدام یک گل دادم و با یک حالت مخصوص و مسرت مخصوص فرمودند، سهم ما را هم بده؛ سهم ما را هم بده. لِهَذَا یکی هم بردم حضور مبارک تقدیم کردم؛ ایستادم. فرمودند یکی هم خودت بردار. بعد فرمودند فی امان الله. این یکی از جلسات عید اعظم رضوان بود که من مُشْرَف بودم؛ اینطور شروع و خاتمه یافت.

از خاطرات شفاهی جناب سمندری

9- شعر رضوان عشق

عید آمد و عید آمد دلها شده گلخانه
برخیز و بزن یا هو، با نعرهٔ مستانه
وقت طرب و شادی، شدموسم آزادی
اشجار همه بیدار، از خواب زمستانه
بوی گل ناز آمد ، با نفعهٔ روحانی
دیوانه به وجد آمد ، عاقل شده دیوانه
هر وادی و هر صحرا پُر از می روحانی
از عشق بها لبریز ، هر باده و پیمان
دلها همه پُرگشته ، از یاد جمال حق
غم در دل احبابش ، هرگز نکند خانه
با نغمهٔ لاهوتی ، وز جام طهورایی
سرمست همه عالم از باده خمخانه
صحرا شده رنگارنگ از لاله و از سُنبل
هرگل به نهان دارد ، صدغُنچهٔ دردانه
پروانه به رقص آمد از این همه زیبایی
مدهوش کند ما را عطر گل و ریحانه
قُمری به نوا خوانی ، بلبل به غزلخوانی
غوغا شده در جنت ، از چهچهٔ مستانه
شادی و سرور آمد ، بگریخته غم دیگر
پُرگشته دل احباب ، از نغمهٔ عیدانه
دنیا همه پُرگل شد ، عید همه از نو شد
این تحفه یزدان است با لطف کریمانه
نوری تو به پا برخیز ، هنگام وصال آمد
دلدادگی یاران ، بوسیدن بیگانه